

**شهر اسلامی**

### مختصات شهر اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۸ردیبهشت ۱۳۷۸ شهر اسلامی را دارای ۵ مختصات اصلی دانستند: ۱) عدالت در تقسیم خدمات شهری ۲) تأمین آرامش روحی و امنیت معنوی ۳) ظهور و اعتلای مظاهر اسلامی و انقلابی ۴) عمران و آبادی و زیبایی ۵) حفظ طبیعت و فضای طبیعی و درآین راستا به‌نظر می‌رسد، معظم‌له طی سال‌ها و دیدارهای مختلف با مسئولان شهری، شاخص‌های هر یک از این مختصات را تبیین فرموده‌اند. این شاخص‌ها که از سوی مؤسسه مصاف احصاء شده به شرح ذیل است:

#### یک

**عدالت در تقسیم خدمات شهری**

- تسهیل زندگی مردم در کارهایی که به شهرداری‌ها مربوط است. (۱۳۸۲/۲/۵)
- برطرف کردن معضلات شهر و روستا. (۱۳۸۲/۲/۵)
- رعایت دقیق قوانین و عدم تخطی از آن با حیل‌های شبه‌قانونی. (۱۳۸۲/۲/۵)
- رعایت ویژه محرومان. (۱۳۸۲/۲/۵)
- آلوده نشدن به اسراف و هدر ندادن بیت‌المال با تجملات زائد و سرفرا و مراسم غیر لازم. (۱۳۸۲/۲/۵)
- آسان‌سازی خدمت‌رسانی و عدالت و فراگیری در خدمات شهری. (۱۳۸۶/۲/۸)
- توجه به نیازهای جانب‌آزان و مصدومان جسمی. (۱۳۸۶/۲/۸)
- نگاه عدالت‌گستر به محله‌ها و اشخاص محروم. (۱۳۸۶/۲/۸)
- توجه ویژه به بانوان و نیز به جوانان. (۱۳۸۶/۲/۸)
- تأثیر ناپذیری از نفوذ ثروتمندان و جاذبه ثروت. (۱۳۸۲/۲/۵)
- اولویت دادن به مناطق محضغف‌نشین. (۱۳۸۲/۲/۵)



#### دو

**تأمین آرامش روحی و امنیت معنوی**

- در شهر اسلامی فضاها به گونه‌ای طراحی می‌شود که مردم احساس می‌کنند به معنویات گرایش پیدا می‌کنند. (۱۳۷۵/۶/۵)
- در شهر اسلامی اهل دین و برهیز گاری و پارسایی در فضاهای شهری احساس امنیت می‌کنند. (۱۳۷۵/۶/۵)
- در شهر اسلامی اهل فساد برای فسادشان احساس ناامنی می‌کنند ولی خودشان احساس امنیت دارند. (۱۳۷۵/۶/۵)
- ترویج فرهنگ نظم و قانون. (۱۳۸۶/۲/۸)
- استقرار بخشیدن به جو اسلامی و فرهنگی سالم. (۱۳۸۲/۲/۵)

#### سه

**ظهور و اعتلای مظاهر اسلامی و انقلابی**

- در شهر اسلامی پدیده‌ها به حرکت و زیست اسلامی کمک می‌کنند نه بر ضدان. (۱۳۷۵/۶/۵)
- در شهر اسلامی مظاهر معنویت در شهر چشم‌نواز است. (۱۳۷۵/۶/۵)
- در شهر اسلامی نشانه‌های فرهنگ اسلامی ایرانی محسوس است. (۱۳۸۴/۱۲/۱۳)
- تأثیر ناپذیری از نفوذ ثروتمندان و جاذبه ثروت. (۱۳۸۲/۲/۵)
- گسترش نمادهای دین و اخلاقی. (۱۳۸۶/۲/۸)

#### چهار

**عمران و آبادی و زیبایی**

- ساختمان‌سازی اسلامی خصوصیاتی دارد؛ معماری‌های ملایم و چشم‌نواز و دارای انحناهای طبیعی و دارای مظاهر معماری اسلامی ازجمله طاق‌ها و گنبدها و ستون‌ها و نقاشی‌ها. (۱۳۷۵/۶/۵)
- حفظ حجاب و عفت از خصوصیات معماری اسلامی است. (۱۳۷۵/۶/۵)
- محیط خانه از لحاظ زندگی اسلامی باید محیط امن و امانی باشد. (۱۳۷۵/۶/۵)
- در شهر اسلامی فرهنگ ایرانی و بنا و معماری ایرانی در آن متجلی است. (۱۳۸۴/۱۲/۱۳)
- در شهر اسلامی فرهنگ اسلامی ایرانی همراه با زیباسازی رعایت می‌شود. (۱۳۸۴/۱۲/۱۳)
- حفظ اصالت اسلامی و ملی در ساخت‌وسازها. (۱۳۸۲/۲/۵)
- حفظ هویت و اصالت شهرها و روستاها. (۱۳۸۶/۲/۸)
- پایبندی به معماری اسلامی و ایرانی. (۱۳۸۶/۲/۸)
- رعایت زیبایی و استحکام بناها. (۱۳۸۶/۲/۸)

#### پنج

**حفظ طبیعت و صفای معنوی**

- سالم‌سازی محیط‌زیست. (۱۳۸۲/۲/۵)
- توسعه فضای سبز و اهتمام به سلامت محیط‌زیست. (۱۳۸۶/۲/۸)

## اندیشه



# عدالت اجتماعی؛ مهم‌ترین مشخصه شهر اسلامی

**مروری بر اصول و راهبردهای اجرایی‌سازی عدالت در سازو کارها و ساختارهای شهر**

اجرایی که منابع را به سمت افراد، مجموعه‌ها و یا محدوده‌های خاصی هدایت می‌کنند نیز در دایره شمول این اصل قرار دارد.

**اصل هفتم**

**انتفاع همگانی در امور عمومی**

اصل انتفاع همگانی به بعد دیگری از عدالت اشاره می‌کند که در کنار توزیع و دسترسی برابر، رعایت آن لازمه پیاده‌سازی صحیح عدالت است. در واقع این امکان هست که در توزیع یک خدمت عمومی توسط نهاد مدیریت شهری، اصل برابری توزیع و دسترسی برابر رعایت شده باشد، ولی همه شهروندان امکان انتفاع از آن رانداشته باشند. برای نمونه اگر سیستم اتوبوسرانی و ایستگاه‌های آن با کمیت و کیفیت برابر در دسترس ساکنان تمامی محلات شهری قرار گیرد، ولی گروهی از افراد اجتماع همسوی معلولان، و یا سالمندان به‌دلیل عدم‌مناسب‌سازی سیستم، نتوانند از آن استفاده کنند، در این حالت، به‌رغم رعایت اصل توزیع و دسترسی برابر، اصل انتفاع همگانی در خدمات عمومی رعایت نشده‌است.

**اصل هشتم**

**عدم‌ممنونیت حاکمان و مسئولان در برابر عدالت**

این اصل به نوعی تخصیص موضوع اصل دوم درباره مسئولان حکومتی و دولتی جامعه‌است. براساس اصل برابری جایگاه‌ها در برابر قانون و مطابق این اصل، ننتنهاهیچ مصونیتی برای مسئولان حکومتی در مقابل احکام جبرانی، کیفری و تصحیحی عدالت وجود ندارد بلکه به‌دلیل تأثیر گذاری بالای ایشان در مقیاس اجتماع و کشور، احکام و مجازات‌ها شد، تأیید بیشتری خواهند داشت.

این اصل به بررسی‌های صورت گرفته، اساس شکل‌گیری و پایداری اجتماعات انسانی، رف‌ع نیازهای مختلف ساکنان اجتماع در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... و ارائه و دریافت خدمات در این عرصه‌هاست. بر این اساس بدیهی است که فعالان این عرصه‌ها که موجبات پایداری اجتماع و رف‌ع نیازمندی‌های شهروندان را فراهم می‌کنند، مورد توجه ویژه در تخصیص حقوق اکتسای فرار گیرند. این امر از سوی موجب تشویق فعالان، و از نسوی دیگر موجب ترغیب دیگر افراد اجتماع به‌فعلیت‌های یادشده می‌شود. بنظر به‌اصول استخراج شده، مبنای اصل راهبرد، اصل «عدم‌تساوی

در حقوق اکتسای فردی –اجتماعی» است. برپایه این اصل، فعالیت به‌عنوان معیاری برای ترجیحات حقوق اکتسای، موضوعیت می‌یابد.

**راهبرد پنجم**

**حمایت از طبقات و اقشار مختلف به اقتضای شرایط مبنای اصل و راهبرد ۲اصل «عدم‌تساوی در حقوق اکتسای فردی –اجتماعی» و «رعایت اقتضای زمان در دریافت تعرفه‌ها» است. بر پایه این راهبرد، حمایت با عدم‌حمایت از فرد ا اقشار مختلف، باید متناسب با معیارهای عدالت و در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی مختلف صورت گیرد.**

**راهبرد دهم**

**اولویت رسیدگی به طبقات پایین اجتماع**
طبقات پایین اجتماع و نیازمندان جامعه، افرادی هستند که طی فرایندهای مختلف اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی صورت گرفته در جامعه و یا تغییر دیگر به دلائل طبیعی و انسانی مختلف بی‌عدالتی‌های ناشی از آنها، نتوانسته‌اند انتفاع لازم را از حقوق عمومی خود ببرند و معمولاً دسترسی کافی به خدمات عمومی و یا توان بهره‌برداری از آنها را ندارند. بر همین اساس، مطابق منابع دینی بررسی‌شده، توجه ویژه به این طبقات و اولویت قائل شدن برای آنها در برنامه‌های عدالت‌محورانه، یکسوی از ضروری‌ترین و اساسی‌ترین راهبردهای مورد تأکید است. به‌نظر می‌رسد از منظر منابع دین اسلام، مأموریت ویژه نهادهای حکومتی مسئول درباره توزیع‌های عمومی، پرداختن به مسائل طبقات پایین اجتماع و رف‌ع نیازمندی‌های ضروری نیازمندان است.

**راهبرد اول**
**ایجاد بستر قانونی مناسب برای جلوگیری از ظلم**
ظلم، ضدعدالت و در واقع به‌معنای نبود عدالت‌است. بدیهی است که تنها مسیر پیاده‌سازی اصول عدالت در شهر و جامعه، و مبنای اقدامات آن، مسیر قانون است؛ چه اینکه در صورت فقدان قوانین مناسب، اقدامات عدالت‌محورانه با تفسیر به رأی خود منحرف می‌شود و چه بسا موجبات تشدید بی‌عدالتی‌های اجتماعی و فضایی را فراهم آورد. بر همین اساس، یکی از اصلی‌ترین راهبردهای مربوط به تحقق عدالت، ایجاد بسستر قانونی آن و تدوین قوانین موضوعه عرصه‌های مختلف شهری است.

بر واضح است که منظور از بستر قانونی مناسب، قوانین عادلانه یا ریگسر فرایندها و اقدامات عادلانه است؛ وگرنه خود قانون نیز می‌تواند زمینه‌ساز بی‌عدالتی و ایجاد بستر مناسب برای رویش اقدامات ظالمانه‌باشد.

**راهبرد دوم**

**رعایت حقوق متقابل توسط حکومت و مردم**
در جامعه و شهر اسلامی سعادت شهروندان ذیل قوانین و احکام اسلامی، هدف و غایت اصلی است، تشکیل حکومت اسلامی نیز با محوریت همین هدف معنا و مفهوم می‌یابد. بر همین اساس، شهروندان، محور و موضوع اصلی سیاست‌های عدالت اجتماعی و فضایی هستند و حکومت نیز مجری اصلی این

<b>عدالت شهری</b>	<b>سیدابلیبارضوی</b>
<b>تهیه و تدوین</b>	
<b>مؤلفه عدالت</b> از جمله مهم ترین مؤلفه ها و آرمان های انقلاب اسلامی است. اما عدالت تنها منوط به مسائل اقتصادی نیست و چه بسا ایجاد عدالت های ساختاری اهمیت مهم تری داشته باشند؛ چرا که در واقع ایجاد کننده ز بر ساخت ها و بستر ها بی است که موجب می شود هر صاحب حقی به صورت ساختاری به حق خود نایل آید و اساسا حقی از کسی ضایع نشود. در این بین عدالت شهری مسئله مهمی است که متأسفانه کمتر بدان توجه شده است. در ادامه تلاش شده است بر اساسی برخی از پژوهش های انجام شده به مهم ترین اصول و راهبردهای اجرایی سازی عدالت در سازو کارها و ساختارهای شهری اشاره کنیم.	

# عدالت اجتماعی؛ مهم‌ترین مشخصه شهر اسلامی

**مروری بر اصول و راهبردهای اجرایی‌سازی عدالت در سازو کارها و ساختارهای شهر**

اکتسای، حاصل تلاش فردی با جمعی بخشی از افراد جامعه با ساکنان واحدهای تقسیمات درون شهری است که به موجب آن حائز شرایط دریافت خدماتی ویژه می‌شوند. برای نمونه، پارک یا بوستانی که در نتیجه آزادسازی بخشی از مساحت زمین‌های مالکان در محلات بافت‌های فرسوده تحت بازسازی ایجاد می‌شود، جزو حقوق اکتسای اهالی این محلات زمین مالکی می‌آید و با در مقیاس فردی، اگر مساحت زمین مالکی برابر با در مقیاس مسکونی کم باشد، نمی‌تواند مجوز تراکم بالای این زمین دریافت کند. در مقابل اگر شخص دیگری دارای مساحت استاندارد باشد، این مجوز به او تعلق می‌گیرد. در موضوع حقوق اکتسای با افراد به‌صورت برابر برخورد نمی‌شود، بلکه طبق ضوابط و قوانین مربوطه با هر شخص متناسب با داشته‌ها، آورده‌ها و یا میزان فعالیت و تلاش صورت گرفته رفتار می‌شود.

**اصل چهارم**

**رعایت اقتضای زمان در دریافت تعرفه‌ها**

مفهوم اصلی این اصل، انعطاف در اجرای قوانین و آیین‌نامه‌ها، دریافت تعرفه‌های خدماتی و عوارض شهری، و در نظر گرفتن شرایط شهروندان در زمان‌های مختلف است. برای نمونه در این زمینه می‌توان به کاهش تعرفه خدمات و یا عدم دریافت برخی عوارض از شهروندان، کسبه، صنعتگران و... در شرایط رکود اقتصادی و یا ارائه بارانه‌های هدفمند در زمان‌های خاص اشاره کرد. بستر پایه مفاهیم و کدهای مربوط به این اصل، دریافت عوارض و مالیات‌های قانونی از مردم، بدون ایجاد زمینه‌های لازم برای توسعه و رونق شهر و فعالیت‌های شهری (صنعت، خدمات و...)، اقدام عادلانه‌ای نیست. در واقع، نهادهای مدیریتی و دولتی در ابتدا باید زمینه‌های رونق و توسعه اقتصادی را فراهم آورند و به تبع آن انتظار دریافت حقوق قانونی را از شهروندان داشته باشند. این اصل را می‌توان به‌عنوان یک اصل جایی و یا به‌عنوان یک شرط منداخله‌ای در فرایند اجرا کاربست یابد که بتوان آن را در قالب اصول معین انتزاع کرد و آن را محور پایداری و راهنمای اقدامات با نظر به تحقق هدف قرار داد.

**اصول عدالت اجتماعی در شهر اسلامی**

اصول از جنس بایدها و نبایدها و نمیشد از هستها و مبایی‌اند که به‌عنوان جزو اصلی نظریات کاربرد، نقش راهنمای عمل در گذر از مبانی به تحقق اهداف راه‌یابی می‌کنند. در واقع، یک‌اندیشه و ارزش‌ساخته از مبادی حقیقت، زمانی می‌تواند در ساخت عمل و اجرا کاربست یابد که بتوان آن را در قالب اصول معین انتزاع کرد و آن را محور پایداری و راهنمای اقدامات با نظر به تحقق هدف قرار داد.

**دسترسی برابر به خدمات عمومی**

بر پایه این اصل نوع پراکنش خدمات عمومی در سطوح مختلف شهری و سرزمنی، باید به‌گونه‌ای انجام شود که همه شهروندان دسترسی مناسبی به این خدمات داشته باشند. براساس این اصل، همه نقاط و محلات شهری باید به‌طور یکسان تحت پوشش خدمات عمومی قرار گیرند. در واقع هیچ محله یا نقطه‌ای از شهر نباید به‌دلیل فاصله از مرکز خدمات و یا تمرکز خدمات در نقطه‌ای خاص، از بهره‌مندی از خدمات محروم شود. در اصل، اگر خدمات مربوطه جزو حقوق عمومی شهروندان باشد، بعد مسافت نباید تأثیر منفی در دریافت خدمات توسط برخی شهروندان ایجاد کند. این اصل را به نوعی می‌توان ذیل اصل اول تعریف کرد.

**اصل ششم**

**عدم‌اختصاصی‌سازی اموال و منافع عمومی**

منظور از اختصاصی‌سازی در این اصل، تخصیص و یا خصوصی‌کردن منابع عمومی است. بر پایه این اصل، اختصاص اموال، منابع، منافع و یا خدماتی که متعلق به عموم شهروندان است، به نفع فرد یا طبقه و گروه خاص و یا متمرکز کردن آنها در محله یا محدوده‌ای مشخص که مانع از دستیابی دیگر شهروندان بدان‌ها نشود، ممنوع و مخالف عدالت است. عدم‌تنظیم و تصویب آن دسته از قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های

**عدالت اجتماعی عبارت است از:**

**ارزشی که با فراگیر شدن آن، جامعه دارای شرایط و زمینه‌هایی می‌شود که هر صاحب حقی به حق خود می‌رسد و امور جامعه به تناسب و تعادل، در جای شایسته و بایسته خویش، قرار می‌گیرد**

**گفت‌مان اسلام**

### افراد کم‌سواد و نیمه‌عاقلی که ضررشان از هر بی‌سواد و دیوانه‌ای بیشتر است



استاد شهید در تفسی مطهری (ره):

غزالی جمله‌ای دارد که می‌گوید: همه چیز وجود ناقصش از عدم‌محض بهتر است جز علم و دانش. یعنی مثلا سلامتی یا مال و ثروت اگر انسان هر مقداری داشته باشد از آنکه هیچ نداشته باشد بهتر

استی ولی علم و دانش اینگونه نیست. انسان کم‌سواد از بی‌سواد بدتر است چون خیال می‌کند خیلی باسواد است و هیچ‌گاه دنبال تکمیل آن نمی‌رود.

این بیت از سنایی است که می‌گوید: رنجش هر کسی ز یک چیز است / رنجش من ز نیم دیوانه است. این شاعر می‌گوید: عقل هم نظیر علم است. با انسان باید دیوانه کامل باشد یا عاقل کامل.

نیمه‌عاقل و نیمه‌دیوانه از دیوانه کامل ضررش بیشتر است.

افراد نیرنگ باز و خدعه‌کار در جامعه، معمولاً همین انسان‌های «نیمه» هستند، یعنی آنها که نیمه زرنگی دارند و تمام زرنگی ندارند؛ زیرا زرنگ‌های کامل اگر به هیچ‌چیز اعتقاد نداشته باشند این مقدار می‌فهمند که سعادت و موفقیت در صداقت و راستی است. ولی افراد نیمه زرنگ – که من در عمر خودم با بسیاری از آنان برخورد داشتم – موفقیت خود را در این می‌دانند که باید هیچ‌کس به صداقت رفتار نکنند. اینها در عمر خود حتی یک دوست پیدا نمی‌کنند و هیچ‌کس به حرف‌های آنان اعتماد نمی‌کند؛ زیرا با هر کس که حرف می‌زنند همه می‌دانند که از روی زرنگی سخن می‌گویند. قرآن این منافق‌ها را جاهل مرکب می‌داند و می‌گوید اینها نامی ندانند و خیال می‌کنند که می‌دانند؛ شعور ندارند و می‌پندارند که باشعورند.

**منبع: کتاب آشنایی با قرآن، جلد ۲، صفحه ۹۰**

**اقتصاد شهری**

### شهرها در اقتصاد جهانی

کتاب «شهرها در اقتصاد



جهانی» نشان می‌دهد چگونه برخی از ویژگی‌های جریان‌های پول، اطلاعات و مردم در سئانه هزاره جدید به‌ظهور سازندهای اجتماعی جدید انجامیده‌اند.

بسیاری از نظریه‌پردازان شهری پیش از این بیان می‌داشتند مخابرات جهانی و تحرک مردم و سرمایه، شهرها را از نظر اقتصادی منسوخ کرده‌اند درحالی‌که این کتاب با تحلیل تحولات دهه گذشته اثبات می‌کند که حکایتی دیگر نیز جریان دارد. این کتاب به‌گونه‌ای روزآمد شده که جدیدترین داده‌های موجود را دربرمی‌گیرد و نشان می‌دهد چگونه برخی از شهرها، ازجمله نیویورک، توکیو، لندن، سائوپولو، هنگ‌کنگ و سیدنی از مراکز منطقه‌ای فرهنگ و کسب‌وکار به فضاهای بازار فراملیتی تبدیل شده‌اند. این تحولات به ملزومات جامعه‌شناسی شهری، از قبیل مرکزیت مکان و اهمیت جغرافی در دنیای اجتماعی معنایی جدید می‌بخشند. کتاب حاضر تأثیر فرایندهای جهانی بر ساختار اجتماعی شهرها را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد چگونه دگرگونی‌های سازماندهی نیروی کار، بازتوزیع در آمدها و تجدید ساختار مصرف به سلسله مراتب جدید نابرابری در داخل و در بین شهرها امری سرتاسر جهان کمک می‌کنند. ساسکیا ساسن به شیوه‌ای متقاعدکننده می‌گوید برای درک شهرهای قرن بیستم به «جغرافیای جدید» و جامعه‌شناسی جدید نیازمندیم.

**اندیشه شهر**

### شهرها و مصرف

در کتاب «شهرها و مصرف» رابطه متقابل و پویای توسعه شهری و مصرف بررسی شده است. در ۲۰ سال گذشته، منابع مر تبط با مطالعه شهرها و مصرف برای شناخت جهان معاصر کمک چشمگیری به ما کرده است. مطالعه شهرها مرجع‌های مطالعاتی خوبی درباره تغییرات در حوزه زندگی روزمره حیات اجتماعی و فرهنگی ما فراهم می‌کند. اینکه اوقات فراغت خودمان را کجا و چگونه سپری کنیم، چه بخوریم و در کجا غذا میل کنیم، در تعطیلات به کجا برویم، خریدهایمان را کجا و چگونه انجام دهیم، چه بنوشیم، چیدمان خانه چگونه باشد و امثال آن در حوزه مطالعات مصرف هستند. لذا از این جهت، با مطالعه شهرها و مصرف است که می‌توان گستره عاصری به ظاهر مختلف، اما به هم مرتبط، را تبیین کرد.

کتاب «شهرها و مصرف» که به‌مقام یک مبین و ترجمه ترفی قلیچ از سوی انتشارات علمی و فرهنگی به چاپ رسیده، در ۸ فصل تنظیم شده است. فصل نخست به تعاریف شهر، مصرف، دگرگونی شهری و کلیت ساختار کتاب اختصاص دارد. در فصل دوم با عنوان «مصرف و شهر مدرن» و فصل سوم تحت عنوان «مصرف و شهر پست مدرن» به تاریخچه پیدایش شهر مدرن و پست مدرن و دگرگونی‌های ساختاری و اجتماعی فضایی شهر مدرن اختصاص دارد. فصل چهارم رابطه مصرف و زندگی روزمره را بررسی می‌کند. فصل پنجم با جزئیات بیشتر به رابطه شهرها، مصرف و هویت اشاره دارد. فصل ششم نشان می‌دهد که نه فقط شهرها، فضاها و مکان‌های درون شهری زمینه‌های مصرف هستند بلکه خود این فضاها نیز مصرف می‌شوند.